

◀ به عقیده شما چرا رهبر انقلاب، حاج قاسم سلیمانی را به عنوان فرمانده سپاه قدس انتخاب کردند؟
 عملکرد آقای سلیمانی قبل از انتصاب ایشان به فرماندهی نیروی قدس به گونه‌ای است که لیاقت فرماندهی این نیرو را پیدا می‌کند. صبر و صبوری و بردباری در حین کار آقای سلیمانی زبانزد بود، من یادم نمی‌رود در دوره دفاع مقدس ایشان هر کجایی که عملیات می‌کرد و محورهایی را که ایشان عملیات می‌کرد اولاً از سهمگین‌ترین و سخت‌ترین نقاط بود و از همه مهم‌تر بیشترین استقامت را داشت، چه خودش، چه همزمانش که البته این انرژی از درون او منتقل به ساختارش می‌شد. صفت بارز دیگر ایشان شجاعت بی نظیرشان بود که در کنار صبر، توسل به ائمه اطهار(ع) تبدیل به باور عملی می‌شد، در بحث ولایت‌مداری ایشان در حد درجه یک و اعلا بود، این خیلی ارزش است یک فرمانده با تمام وجود خودش توی میدان برود.

◀ به سراغ دوران پس از جنگ و حوالی دهه هشتاد برویم، با توجه به فعالیت‌های دیپلماتیک شما در حوزه عراق شهید حاج قاسم سلیمانی با نگاهی به نقش جمهوری اسلامی ایران در دوران پس‌اصدام این کشور، چه نقشی ایفا کردند؟
 شهید سلیمانی همیشه در میدان عراق حاضر بود. به زعم مقامات عراقی و نخست‌وزیر این کشور که در سفر به آمریکا با او با دیدار کرده بود در زمینه اثرگذاری نیروهای ایران گفته بود که فرق بین نیروهای شما با مستشاران ایرانی در این است که شما افسرانان، ژنرال‌ها پتان کیلومترها پشت صحنه نبرد موضوع را دنبال می‌کنند. ایرانی‌ها بالاترین فرمانده آنها و ژنرال‌هایشان همراه با نیروهای رزمنده بعضاً جلوتر از عراقی‌ها حرکت می‌کنند و آقای اوپاما گفته بود منظورتان آقای سلیمانی است؟ گفته بود بله. گفتند آقای اوپاما گفت که ایشان دشمن ماست ولی ما برایش احترام قائل هستیم، آقای سلیمانی

جایگاهش نه فقط در بین رهبران عراق بلکه در بیرون از عراق و آنهایی که با عراق کار می‌کردند یک جایگاه ویژه و ممتازی بود، بعد از شهادت آقای سلیمانی یک جلسه‌ای با آقای مسعود بارزانی داشتم، آقای بارزانی به من گفت که فلانی ما با مسئولان زیادی در ایران کار کردیم از سال‌های قبل از انقلاب تا الان، هیچ کس را به ویژگی‌ها و کاراکتر شخصیتی آقای سلیمانی پیدا نکردیم، ایشان بعد از شهید بروجردی جزو افرادی بود که تنها با ما همکاری نظامی نداشت و ما توانستیم کارهای بسیار بزرگی را قبل از سقوط، اثنای سقوط و بعد از سقوط صدام و در دوره داعش با همدیگر داشته باشیم. با همین نقل می‌توان به این موضوع پی برد که آقای سلیمانی بیش از یک فرد نظامی بلکه در مقام مشاور و مددکار عراقی‌ها بود.

در مرحله دیگر باید بگویم ارتباط بین ایران و عراق یک رابطه بسیار عمیق، دیرینه و کهنی است، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بسیاری در این روابط وجود دارد، دلایل گوناگونی مثل جغرافیا، دین، مذهب، قومیت و... وجود دارد که گاهی یک کسی مثل آقای سلیمانی پیدا می‌شود و اینها را بالفعل می‌کند البته این به معنای آن نیست که ما برای عراقی‌ها تصمیم‌گیری می‌کنیم، زیرا بعضاً اشتباهی وجود دارد می‌گویند ما مجموعه کارهایی را برای عراق انجام دادیم، من اعتقاد دارم عراقی‌ها خودشان فعالانه در میدان حاضر شدند و عراقی‌ها توانستند این کارها را انجام بدهند، ولی آقای سلیمانی یا به عبارت دیگر نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران با توجه به نفوذ و ارتباط و دلایل مختلف و متنوع دیگر به آنها کمک کرد تا آنها به باور برسند و اکنون و در آینده هم ایران به آنها کمک می‌کند ولی تصمیم‌گیری بر عهده خود عراقی‌هاست، آنها تصمیم می‌گیرند و اجرا می‌کنند کسی از بیرون نمی‌تواند بگوید برایشان تصمیم بگیرد البته اگر حمایت‌های اطلاعاتی و تجارب خالصانه ما در خدمت مردم عراق، جوانان عراق، دولت عراق در کنار تأمین سریع نیازمندی‌های میدان جنگ نبود، عراق امروز به استقلال و خودباوری نمی‌رسید. وقتی که داعش به عراق حمله کرد، نخست‌وزیر وقت از آمریکا تقاضای کمک کرد، سفرا و مستشاران امریکایی گفتند اشکالی ندارد ما پاسخ می‌دهیم لیست نیازمندی عراقی‌ها رفت آمریکا، گفتند دو سال طول می‌کشد تا این نیازمندی‌هایی را که شما می‌خواهید تأمین

✓
صبر و صبوری و بردباری در حین کار آقای سلیمانی زبانزد بود، من یادم نمی‌رود در دوره دفاع مقدس ایشان هر کجایی که عملیات میکرد و محورهایی را که ایشان عملیات می‌کرد اولاً از سهمگین‌ترین و سخت‌ترین نقاط بود و از همه مهمتر بیشترین استقامت را داشت

